

## تأثیرات دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران در بیداری اسلامی با تأکید بر شبکه‌های برون مرزی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

مصطفی محمدی\*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۴/۲۳

قربانعلی محبوبی\*\*

### چکیده

با شروع موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، تحرکات دیپلماتیک بین‌المللی برای دفع تهدیدهای احتمالی و بهره‌گیری از فرصت‌ها به سرعت افزایش یافت که در نتیجه آن، رقابتی شدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای جهت دادن به این تحولات در مسیر منافع بازیگران درگرفت. انقلاب اسلامی ایران به عنوان سرآغاز بیداری اسلامی معاصر، رسالت آگاهی‌رسانی به مردم کشورهای منطقه، پیرامون فرصت‌ها و چالش‌های خیزش‌های انجام شده و نیز آگاه‌سازی مردم کشورهایی که هنوز بیداری اسلامی در آنجا فراگیر نشده، بر دوش دارد که از آن با عنوان صدور انقلاب یاد می‌شود. یکی از ابزارهای برقراری ارتباط انقلاب اسلامی ایران با مردم کشورهای منطقه، دیپلماسی رسانه‌ای است که به واسطه شبکه‌های برون مرزی امکان عملی شدن می‌یابد. لذا هدف مقاله حاضر، بررسی دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد. بدین منظور، مقاله می‌کوشد ضمن واکاوی مفهومی دیپلماسی رسانه‌ای و بیداری اسلامی، به بررسی عملکرد شبکه‌های تلویزیونی برون مرزی رسانه ملی، از جمله شبکه‌های خبری العالم، پرس تی‌وی، سحر و الکوثر پرداخته، تأثیرات دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران بر بیداری اسلامی منطقه را بررسی و تبیین کند.

**واژگان کلیدی:** ج.ا.ایران، دیپلماسی رسانه‌ای، بیداری اسلامی، انقلاب‌های مردمی، شبکه‌های برون مرزی.



## الف) کلیات

### ۱. بیان مسئله

یکی از تحولات سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، وقوع انقلاب‌های مردمی موسوم به «بیداری اسلامی»<sup>۱</sup> بود که ابتدا از تونس آغاز شد؛ اما در ادامه به دیگر کشورهای عربی منطقه نیز سرایت کرد. در این انقلاب‌ها، عوامل و پدیده‌های گوناگونی تأثیرگذار بودند که از جمله آنها می‌توان به رسانه‌های گروهی اشاره کرد؛ چرا که امروزه با انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی بشری پیدا کرده‌اند و اخبار و اطلاعات را در کمترین زمان انتشار می‌دهند. حتی عرصه سیاست و دیپلماسی هم تحت تأثیر فعالیت‌های رسانه‌ای قرار گرفته و تحولات به وجود آمده هم در دیپلماسی و هم در عرصه رسانه موجب شکل‌گیری پدیده جدیدی به نام «دیپلماسی رسانه‌ای»<sup>۲</sup> شده است. توجه افکار عمومی در اقصی نقاط جهان به رسانه‌های گروهی معطوف است و ساختاربنندی ذهنیت جهانی در گرو چگونگی اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی رسانه‌هاست؛ تا جایی که بر خلاف گذشته که ارتش‌های قدرتمند، معیار ابرقدرتی کشورها محسوب شده یا اینکه بین قدرت‌ها رده‌بندی می‌کردند، امروز کسی تردید ندارد که مهم‌ترین معیار رتبه‌بندی کشورها و قدرت‌های جهانی، میزان حوزه نفوذ و تنوع فعالیت‌های رسانه‌های منتسب به این کشورهاست.

رسانه‌ها و تأثیر آنها در شکل‌گیری افکار عمومی و همچنین ایجاد دغدغه‌های یکسان اجتماعی در مورد الگوهایی که یک رسانه به تبلیغ آنها می‌پردازد، دارای اهمیت راهبردی است. در رأس این رسانه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای قرار دارند؛ رسانه‌هایی که هر یک به فراخور اهداف و منافع مالکان خود، خیزش‌های بشری را منعکس می‌کنند. رسانه‌ها همواره نقشی مهم در پیشبرد سیاست خارجی کشورها دارند. مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها در فرایند سیاسی ایفا می‌کنند، پل ارتباطی برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی سیاستگذاران و جامعه نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر و اتفاقات و رویدادهای سیاسی است. تجربه نشان داده است که رسانه‌ها پیش از وظیفه واسطه‌گری ارتباط، نقش‌ها و کارکردهای وسیع‌تری را در ارتباطات سیاسی به اجرا در می‌آورند؛ از آن جمله تأثیر بر

1. Islamic Awake.  
2. Media Diplomacy.



افکار عمومی و سپس تأثیر بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی است.

با شروع موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، تحرکات دیپلماتیک بین‌المللی برای دفع تهدیدهای احتمالی و بهره‌گیری از فرصت‌ها به سرعت افزایش یافت و رقابتی شدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای جهت دادن به این تحولات در مسیر منافع بازیگران درگرفت. در این میان، رسانه‌ها در خط مقدم کنش و واکنش‌های دیپلماتیک قرار داشتند. رسانه‌هایی مانند بی.بی.سی، الجزیره، العربیه، سی.ان.ان و غیره، از جمله رسانه‌هایی بودند که به نقش‌آفرینی در این تحولات پرداختند. در این میان، نقش رسانه‌های برون‌مرزی ج.ا.ایران که انعکاس‌دهنده سیاست‌ها و رویکردهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌اند، مسئله‌ای است که مقاله حاضر در صدد بررسی آن می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور اثرگذار در منطقه و انقلاب اسلامی به عنوان رویدادی مهم تأثیرات شگرفی، موجب شده است که دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش شبکه‌های برون‌مرزی از جمله شبکه العالم، پرس تی.وی، سحر و کوثر، از کنشگران مهم تحولات منطقه بودند.

## ۲. اهمیت و ضرورت موضوع

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه حمایت از حرکت‌های مردمی بنا شده است. این مسئله در قانون اساسی تصریح شده<sup>۱</sup> و به عنوان جزئی از وظایف دستگاه دیپلماسی است. لذا وظیفه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌های مردمی در حال انجام در منطقه است. به طور منطقی در مقابل خیزش‌های مردمی منطقه، فشار دولت‌های حاکم قرار دارد که وظیفه دستگاه دیپلماسی تلاش برای کاهش فشارها و خشونت‌های دولت‌های حاکم بر مردم آنهاست. از سوی دیگر، موضوع دخالت‌های خارجی است که وظیفه مشخص دستگاه دیپلماسی، نفی دخالت و تلاش برای تبیین عدم مشروعیت دخالت خارجی و جلوگیری آن است؛ چرا که دخالت‌های خارجی در مقابل حرکت‌های مردمی است و سبب افزایش خشونت‌ها می‌شود. برای رسیدن به این اهداف باید علاوه بر کانال دیپلماسی رسمی از کانال دیپلماسی غیر رسمی در قالب دیپلماسی رسانه‌ای نیز بهره جست. در این راستا، بررسی و تحلیل نقش

۱. اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد. بنابر این، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»



دیپلماسی رسانه ج.ا.ایران در بیداری اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است و ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳. پیشینه تحقیق

در مورد بیداری اسلامی کتاب‌ها و مقالات مختلفی نوشته شده است که بیشتر به توضیح و تشریح بیداری اسلامی، ویژگی‌ها، ابعاد و مختصات بیداری اسلامی پرداخته‌اند. اما تحقیقی جامع که به نقش دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی پرداخته باشد، کار نشده یا نویسنده در طول تحقیق به چنین موردی برخورد نکرده است. در برخی از تحقیقات قبلی تنها در کنار موضوعات دیگر، اشاره کوتاهی به رسانه و بیداری اسلامی شده است و تحقیقی به طور توأمان هر دو موضوع را بررسی نکرده است. از این رو، تحقیق حاضر می‌تواند ضمن استفاده از تحقیقات پیشین، بر غنای مطالب بیفزاید. برخی از تحقیقاتی که در این رابطه انجام شده‌اند عبارتند از:

قربانی شیخ‌نشین و کارآزما (۱۳۹۱) در مقاله «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، به بررسی پدیده بیداری اسلامی در خاورمیانه می‌پردازند و با تحلیل دیپلماسی ج.ا.ایران در منطقه تلاش می‌کنند تا تهدیدها و فرصت‌های بیداری اسلامی را برای ج.ا.ایران شناسایی کنند.

ریاحی (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «بیداری اسلامی و نقش رسانه ملی» به بررسی مفهوم بیداری اسلامی پرداخته و در نه فصل به بیداری اسلامی و شالوده‌های فکری آن، روندهای تاریخی بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی و... پرداخته است. ایشان در فصل آخر؛ یعنی فصل نهم؛ به بررسی نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی پرداخته و تنها به بررسی شبکه العالم اکتفا کرده و به دیگر شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی اشاره نکرده است.

بزرگمهری و نعمتی (۱۳۹۰) در مقاله «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی: تبیین راهکارها»، تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از حقایق تاریخی در مورد کاربرد رسانه‌ها در سیاست، به ویژه سیاست خارجی، تبیین مطلوب از تأثیرات انواع رسانه‌ها در سیاست ارائه کنند.

### ۴. پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران چه تأثیراتی بر بیداری اسلامی منطقه

داشته است؟

پرسش‌های فرعی:

- شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در پیروزی بیداری اسلامی داشته‌اند؟

- نحوه انعکاس تحولات کشورهای منطقه در شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی چگونه است؟

## ۵. روش تحقیق

تحقیق حاضر ضمن بررسی دیپلماسی رسانه و شاخص‌های آن، با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نقش شبکه‌های برون‌مرزی ج.ا.ایران در بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه می‌پردازد. در گردآوری مطالب از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

## ب) مبانی نظری: دیپلماسی رسانه‌ای و شاخص‌های آن

در آغاز هزاره سوم، «دیپلماسی رسانه‌ای» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است. هم‌اینک فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی کشانده است. این همان عاملی است که در عصر جامعه اطلاعاتی، فضای روابط متعامل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی ساخته است؛ فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. چنان که هر قدر این تاکتیک‌ها و پوشش خبری پر قدرت‌تر و تأثیرگذارتر طراحی و منتشر شوند، چرخ‌های سیاست خارجی روان‌تر می‌چرخد. (بزرگمهری و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۰)

دیپلماسی رسانه‌ای از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعدد و متنوعی برای آن ذکر شده است و در طول زمان تغییرات و تحولات چشمگیری را به خود دیده است. کارل<sup>۱</sup> دیپلماسی رسانه‌ای را با دیپلماسی باز یا آشکار<sup>۲</sup> یا دیپلماسی عمومی یکی می‌داند و آن را استفاده از رسانه‌های جمعی برای تأثیرگذاری بر نظریات مردم در جامعه دیگر می‌داند (کارل، ۱۹۸۲: ۱۴۳). راماپراساد<sup>۳</sup> دیپلماسی رسانه‌ای را شامل

1. Karl.  
2. Open Diplomacy.  
3. Ramaprasad.





نقشی که مطبوعات در کارکردهای دیپلماتیک بین کشورها ایفا می‌کنند تعریف کرده است. واژه‌های خاصی نظیر دیپلماسی روزنامه‌ای<sup>۱</sup>، دیپلماسی تلویزیونی<sup>۲</sup>، دیپلماسی ماهواره‌ای<sup>۳</sup> و دیپلماسی اینترنتی<sup>۴</sup> هم برای توصیف این مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است. (راما پراساد، ۱۹۸۳: ۷۵-۶۹)

وین دین<sup>۵</sup> دیپلماسی عمومی را به عنوان چیزی شبیه پروپاگاندا تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که نوعی از دیپلماسی هم معنی دیپلماسی تلویزیونی است؛ به این معنا که سیاستمداران و دیپلمات‌ها از تلویزیون برای پروپاگاندا بین‌المللی استفاده می‌کنند و آن را با پروپاگاندا ملی همراه و ممزوج می‌کنند (وین دین، ۱۹۸۷: ۵۲-۵۱). آمون دیپلماسی رسانه‌ای را تا حد یک پارادایم جدید ارتقا داد. وی مدعی بود که تغییرات پارادایمی در ارتباطات و دیپلماسی، پارادایم جدیدی از دنیای سیاست را ایجاد کرده که آن را «تله دیپلماسی» می‌نامید. (آمون، ۲۰۰۱)

کوهن<sup>۶</sup> تفاوت میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای را این گونه توضیح می‌دهد: دیپلماسی رسانه‌ای در بر دارنده تمامی جنبه‌هایی از دیپلماسی عمومی است که در آن با رسانه طرف است؛ همان گونه که بقیه جنبه‌های آن، ارتباطی با دیپلماسی عمومی ندارد؛ بخش‌های مثل ارسال اخبار توسط دولت‌ها از طریق رسانه و استفاده از رسانه به عنوان منبع اطلاعات. (کوهن، ۱۹۸۶: ۷)

در مجموع به نظر می‌رسد دو رویکرد کلی در زمینه تعریف دیپلماسی رسانه‌ای وجود دارد: رویکرد اول، آن را ذیل دیپلماسی عمومی برمی‌شمارد و آن را استفاد دولت‌مردان از ابزارهای رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر عموم جامعه هدف می‌داند. در رویکرد دوم که در تعاریف جدید مورد توجه قرار گرفته است، دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان مفهومی کاملاً جدا از دیپلماسی عمومی دیده شده است و به منظور تأثیرگذاری بر حاکمان و دولت‌مردان کشور دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر دو رویکرد با وجود دلایل و شواهد متقن خود نمی‌تواند نیازهای پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه را بر طرف کند.

1. Newspaper Diplomacy.
2. Television Diplomacy.
3. Satellite Diplomacy.
4. Internet Diplomacy.
5. Van Dinh.
6. Cohen.



لذا لازم است به منظور دستیابی به نگاهی جامع و توسعه ابعاد کاربردی این مفهوم، از ترکیبی از دو رویکرد مذکور بهره لازم گرفته شود. (بشیر و مودن، ۱۳۹۲: ۳۲۶)

در این مقاله، منظور از دیپلماسی رسانه‌ای، استفاده از رسانه‌های جمعی (شبکه‌های تلویزیونی برون مرزی) برای برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیر دولتی و جهت دهی آنان، تأثیرگذاری بر نگرش‌های مردمی جامعه هدف درباره موضوعات و تحولات روز و فراهم کردن شواهد درباره رویدادها در راستای اهداف و منافع کشوری است.

### ج) شاخص‌های دیپلماسی رسانه‌ای تأثیرگذار

اگر دیپلماسی به معنای گذار از روش‌های خشونت‌آمیز (جنگ) باشد، دیپلماسی رسانه‌ای نیز باید به طریق اولی از ترویج خشونت، دست کم در ظاهر، مبرا باشد. بنابراین، یک دیپلماسی رسانه‌ای موفق، آن است که با در پیش گرفتن راهکارهایی که نوعی صلح‌جویی مبتنی بر بی طرفی را تصویرسازی می‌کند به فعالیت خود بپردازد. از این رو، برخی از شاخص‌ها و ویژگی‌های دیپلماسی رسانه‌ای موفق و اثرگذار عبارتند از:

#### ۱. همگرایی سیاست و دیپلماسی داخلی و خارجی رسانه‌ای

دیپلماسی داخلی رسانه‌ای نیازمند تعاملی عقل‌گرا و واقعی با دیپلماسی خارجی رسانه‌ای است تا از موفقیت نسبی برخوردار باشد. پیام بر پایه دیپلماسی داخلی نباید تنها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی تفسیر و تبیین و توزیع شود. بر همین اساس، آنچه در دیپلماسی خارجی حاکمیت می‌یابد به معنای این نیست که خارج از محدوده‌های داخلی و ملی است. این دو در فضای جدید ارتباطات بین‌الملل در تعامل دائمی در همه سطوح می‌باشند. عدم درک این واقعیت، رسانه‌ها را دچار نوعی سردرگمی و درگیر شدن در وضعیت پارادوکسیکالی می‌کند، که نتیجه آن تضاد روشن پیام‌رسانی در صحنه‌های ملی و بین‌المللی با منافع کشورها می‌باشد. درک صحیح از منافع ملی، در سطح ملی و بین‌المللی و نهادینه کردن آن در رویکردهای دیپلماسی در ابعاد داخلی و خارجی می‌تواند نقش مهمی در جهت دادن به رسانه‌ها و به وجود آوردن بستری مطمئن برای حرکت آنان داشته باشد. به طور کلی باید گفت که همگرایی سیاست و دیپلماسی داخلی و خارجی رسانه‌ای می‌تواند در افزایش تأثیرگذاری دیپلماسی رسانه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی دخالت جدی داشته باشد. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۵۱)



## ۲. شفافیت مرزهای قانونی و غیر قانونی در دیپلماسی

شفافیت قانون در اجرا و مدیریت آن تأثیر فراوان دارد. تعیین مرزهای میان امور قانونی و غیر قانونی در مدیریت اصولی جامعه، از مسائل حیاتی در سیاستگذاری عمومی است. دیپلماسی رسانه‌ای نیز متأثر از شفافیت یا عدم شفافیت مرزها و تداخل مسئولیت‌های قانونی و دخالت‌های غیر قانونی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. یکی از آسیب‌های مهم رسانه‌ای در این زمینه، تداخل حوزه‌های پیامی بر مبنای تداخل و همپوشانی غیر واقعی مسئولیت‌های دولتی با غیر دولتی و عمومی با فردی است. حوزه‌های مزبور تا جایی که امکان دارد در جوامع غربی تفکیک شده و از نظر قانونی و اجتماعی تبیین شده‌اند. تفکیک این حوزه موجب موفقیت دیپلماسی رسانه‌ای می‌شود.

## ۳. هماهنگی بین بستر، مفهوم و محتوای دیپلماسی رسانه‌ای

برای اینکه پیام دیپلماسی رسانه‌ای راه خود را به سوی مخاطبانش بیابد، نوعی خاص از تعامل هارمونیک بین سه عنصر بستر، مفهوم و محتوای پیام لازم است. برسازی هویت در قلب محتوایی پیام‌های دیپلماسی رسانه‌ای قرار دارد. هر نوع ناسازگاری در این عناصر منجر به ناکامی پیام‌های دیپلماسی رسانه‌ای می‌شود. گر چه محتوای پیام در اطلاع‌رسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما اهمیت شیوه توزیع آن نیز در شرایط کنونی جهان کمتر از محتوای آن نیست. محتوای رسانه‌ای بر پایه نیازهای ملی و بین‌المللی، شکل یافته و تلاش می‌شود که با درک وضعیت و شرایط موجود تهیه شود. اما شیوه توزیع پیام‌های تولید شده نه تنها می‌تواند در خنثی‌سازی پیام‌رسانی موثر باشد، که در جهت تخریب آن نیز ممکن است گام بردارد. بنابر این، توزیع و اشاعه پیام به عوامل بسیاری مرتبط بوده که بدون توجه به عوامل مزبور، محتوای پیام از خاصیت آن جدا شده و از مطلوبیت خود به دور می‌افتد. باید توجه داشت که پیام در چه زمانی، با چه محتوایی، به چه شکلی و در چه قالبی، برای چه کسانی، از چه طریق و کانالی و بالاخره با چه زبان و گفتمانی خلق و اشاعه می‌شود.

زبان پیام به معنای زبان گفتگوی فارسی، انگلیسی یا عربی نیست؛ که آن نیز در نحوه طراحی پیام از اهمیت ویژه برخوردار است. زبان پیام، زبان گفتمانی مورد نیاز در طراحی، تولید و نشر پیام است. عدم شناخت گفتمان موجود اجتماعی، سیاسی و



فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی، پیام‌رسانی را دچار ضایعات زیادی می‌کند. طراحی یک دیپلماسی مناسب رسانه‌ای، نیازمند درک به موقع، فوری و همه‌جانبه‌گفتمان مزبور است. درک گفتمانی موجود، شاخصی مهم برای تولید پیام‌های مناسب است. کانال انتقال‌دهنده پیام نیز در شکل‌گیری معنا و اهمیت پیام در ذهن مخاطب تأثیر فراوان دارد. (بشیر، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۰۳)

#### ۴. استقلال سردبیری

استقلال سردبیری از مهم‌ترین ارکان دیپلماسی رسانه‌ای هر کشور محسوب می‌شود؛ زیرا در شرایطی که فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطاتی مدت‌زمان واکنش در مقابل اتفاقات و اخبار بین‌المللی را به کمترین حالت خود رسانده‌اند، بدیهی است رسانه‌ها نیز باید مجهز به کادری باشند که بتوانند در سریع‌ترین زمان ممکن بسته‌های دیپلماتیک را ارسال و دریافت دارند. برای این منظور، رسانه‌های دنیا تلاش می‌کنند حداکثر اختیار ممکن را به سردبیران خبری و خبرنگارانی که در منطقه عملیاتی حضور دارند، تفویض کنند تا خبرنگار بدون نگرانی از مؤاخذه، بلافاصله واکنش لازم را در مقابل یک رویداد از خود نشان دهد. این اتفاق، یک دستور کار نانوشته است که در حال حاضر از سوی شبکه‌های بین‌المللی اعمال می‌شود. به عبارت روشن‌تر؛ اگر خبرنگار مجبور باشد برای انعکاس خبر ابتدا با سردبیر و سپس مدیر و مدیر کل و ... تماس بگیرد این خبر ارزش خود را از دست می‌دهد و صرفاً برای پر کردن آنتن مفید است. حتی می‌توان گفت برای مصرف داخلی هم کاربردی ندارد؛ زیرا مخاطبان داخلی هم خبر مورد نظر را به همراه تحلیل‌ها و گزارش‌های تصویری آن از شبکه‌های دیگر بین‌المللی دریافت می‌کنند و نیازی به خبر بیات شده شبکه‌های داخلی ندارند. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۷۳)

#### ۵. برخی دیگر از شاخص‌های دیپلماسی رسانه‌ای موفق

- داشتن یک منطق راهبردی که دیپلماسی را در تمام عناصر سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورداری ادغام کند؛
- پرهیز از انکای بیش از حد بر شخصیت‌ها و فرهنگ‌های قبیله‌ای و توجه به روندهای جهانی که به ارتباطات شکل می‌دهد؛
- شناخت شیوه‌های تقویت ترتیبات نهادی برای دیپلماسی رسانه‌ای و توجه به آمیزه رسانه‌های جدید، ارتباطات شخصی و مبادلات دانشگاهی و اجتماعی؛



- توجه به چگونگی افزایش آگاهی و دانش نسبت به امور بین‌المللی و سازگار کردن اهداف دیپلماسی رسانه‌ای با سیاست خارجی یا کنش‌های مرتبط (احتمالی)؛

- تا حد ممکن پرهیز از رویکرد سخت در دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از مهارت‌ها و رویه‌های مطلوب رسانه‌های دیگر، اعم از رقیب و همگرا در چارچوب‌های دیپلماسی رسانه‌ای؛

- فهم شرایطی که تحت آن می‌توان با بهره‌گیری از دیپلماسی رسانه‌ای به حمایت خارجی‌ها از سیاست خارجی کشور متبوع دست یافت؛

- جذب همکاری صاحب‌نظران مسائل رسانه‌ای در داخل و خارج از کشور به منظور بهره‌مندی از دیدگاه‌های آنها برای پیش‌بینی تحولات آتی کشور مورد نظر و تهیه گزارش‌های کاربردی در تبیین تحولات آینده؛

- جلب توجه جامعه بین‌المللی به موضوعات مورد مناقشه و در نتیجه، ایجاد فشار بر طرفین برای حل آن یا فشار بر جامعه بین‌المللی برای مداخله در آن و انتقال شفافیت یک طرف رابطه به طرف دیگر. (طباخی مقانی، ۱۳۹۰: ۳۵)

#### د) دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی

دیپلماسی رسانه‌ای به صورت عام به معنای به کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است که به دو صورت در سیاست خارجی هر کشوری تحقق می‌یابد:

۱. به مدیریت سازمان‌های دیپلماتیک رسمی کشور؛
  ۲. به صورت خودجوش و در راستای سیاست‌های کلان کشورها.
- در شیوه اول، دولت‌ها یا اقدام به تأسیس رسانه‌های ویژه دیپلماسی می‌کنند یا اینکه رسانه‌های موجود را به انجام اقداماتی در راستای سیاست‌های خارجی خود موظف می‌کنند. تأسیس رادیوهای برون‌مرزی مانند VOA و BBC از نوع اول است و در نوع دوم با سانسور خبرها، محدود کردن خبرنگاران و غیره در حوزه‌های خارجی به منویات خود دست می‌یابند. بانی هدایت رسانه‌ها در امر دیپلماسی کشور آمریکا در زمان جنگ جهانی اول، ودر و ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود که در هنگام ورود به جنگ، کمیته‌ای به نام کمیته کریل را برای هماهنگی بین وزارت امور دفاع و امور خارجه با مطبوعات وقت تأسیس کرد. البته اوج دیپلماسی رسانه‌ای مربوط به پس از جنگ جهانی

دوم است. ولی ریشه تاریخی آن به جنگ جهانی اول برمی‌گردد. یادآوری این نکته لازم است که در این شیوه، برنامه‌ریزی دستگاه حاکمه برای هماهنگی تمامی بخش‌ها با رسانه‌ها ضروری است و در صورت عدم برنامه‌ریزی، شکست آن قطعی خواهد بود. شیوه دوم همگامی و همراهی رسانه‌ها با اهداف و سیاستهای خارجی کشور متبوعان است. در این شیوه هر چند رسانه‌ها دستورات خاصی از طرف حکومت دریافت نمی‌کنند ولی به علت بلوغ حرفه‌ای و همچنین مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای در جهت سیاست‌های کلان نظام خود در سطح جهان عمل می‌کنند و چون مستقل از دولت و حاکمیت‌اند، تأثیرگذاری آنها بیشتر است. رسانه‌های همگانی در نقش دیپلماتیک خود می‌توانند در طیفی از موقعیت‌های [از مثبت تا منفی] ذیل قرار گیرند.

### طیف وضعیت‌های دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای	
منفی	مثبت
رسمی	غیر رسمی
تضعیف دیپلماسی رسمی	تقویت دیپلماسی رسمی
بدبین‌سازی افکار عمومی جهان نسبت به کشور متبوع	بهینه‌سازی افکار عمومی جهان نسبت به کشور متبوع
عامل خنثی در روابط بین‌الملل	عامل تغییرات در روابط بین‌الملل
حوزه جغرافیایی محدود	حوزه جغرافیایی وسیع
بازنمایی تصویر مخدوش از ملل دیگر	بازنمایی تصویر واقعی از ملل دیگر
تشدید تخصصات بین‌المللی	تحکیم تفاهمات بین‌المللی
جریان‌سازی خبری بین‌المللی	عینیت‌گرایی خبری بین‌المللی
مرعوب‌سازی دیگران	تساوی‌گری با دیگران

با توجه به جدول، ملاحظه می‌شود رسانه‌ها در هر یک از مؤلفه‌ها روی یک طیف قرار می‌گیرند و امری مطلق در خصوص نقش دیپلماتیک آنها وجود ندارد. برای مثال یک رسانه می‌تواند کاملاً دولتی باشد، ولی به علت کمی دانش و آگاهی مسئولان رسانه‌ای، برنامه‌هایی مغایر اهداف سیاست‌های خارجی کشور خود پخش کند یا اینکه سازمان دیپلماسی کشور به اهمیت نقش رسانه‌ها واقف نبوده و هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای بهره‌برداری از رسانه‌ها نداشته باشد. بنابراین اهداف و سیاست‌های دیپلماسی یک کشور، وضعیت رسانه‌ها را در طیف مذکور مشخص می‌کند و نداشتن هدف و سیاست جامع و واقع‌بینانه، دیپلماسی رسانه‌ای را به سمت خنثی بودن



سوق می‌دهد. اما بدیهی است کشورهایی می‌توانند بیشترین بهره را از دیپلماسی رسانه‌ای ببرند که اولاً، صاحب رسانه‌های فراملی باشند و ثانیاً، از دانش و تخصص لازم در عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای برخوردار باشند. (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۹: ۵۶)

## هـ) بیداری اسلامی

واژه «بیداری» که معادل عربی آن «الصحوه» یا «یقظه» است و در لاتین به آن «Awakening» گفته می‌شود، از نظر لغوی در برابر خواب قرار دارد. هنگامی در مورد کسی مفهوم بیداری به کار می‌رود که مسبوق به خواب و بیهوشی باشد (حاذق نیکرو، ۱۳۹۱: ۵۰). در زبان عربی نیز واژه «الصحوه» در برابر نوم (خواب) یا سکر (مستی) مطرح می‌شود؛ چنانکه گفته می‌شود: «صحا من نومه او سکره»، یعنی از خواب یا مستی بیدار شد. معادل انگلیسی این کلمه نیز چنین معنایی را به همراه دارد و به طور خلاصه، واژه «بیداری»، «الصحوه» و «Awakening» هنگامی اطلاق می‌شود که مسبوق به خواب، مستی، رخوت، بی‌خودی و بی‌هوشی باشد. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۰: ۲۱)

تعبیر بیداری اسلامی به پدیده‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که به معنای بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی است و در آن جامعه به خود باوری برسد و به دین و کرامت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فکر خود مباهات کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به عنوان بهترین امت برای مردم تلاش کند. پس حرکتی را که هدف آن بازگشت به اسلام ناب و هویت فراموش شده دینی و رهایی از دست استکبار جهانی باشد، بیداری اسلامی گویند. رهبر انقلاب اسلامی از بیداری اسلامی چنین تعریف می‌کنند: «بیداری اسلامی؛ یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۵۱). از این بیانات به دست می‌آید که، بیداری اسلامی نام مرحله‌ای است که در آن مسلمانان خواستار بازگشت به حاکمیت اسلامی در شئون زندگی اجتماعی خود هستند. بیداری اسلامی؛ یعنی نفی نظام‌های وارداتی از غرب و شرق؛ نفی سلطه سیاسی، اقتصادی و حتی خبری آنان و بازگشت به اصل قرآن.

در سال‌های گذشته، قیام‌ها و خیزش‌های سراسری در اکثر کشورهای عربی-اسلامی به وقوع پیوست. کشورهایی که با خیزش و نهضت مردمی روبه‌رو شده‌اند، در منطقه متداخل خاورمیانه، جهان عرب و شمال آفریقا قرار دارند که از لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ منطقه‌ای که اولین خاستگاه تمدن بشری بوده و آیین‌ها و اعتقادات جهانی از این سرزمین برخاسته‌اند و زادگاه ادیان بزرگ آسمانی چون: یهودیت، مسیحیت و اسلام بوده است. این منطقه پس از انقلاب صنعتی و کشف نفت، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. (فرزندی، ۱۳۹۰: ۶۲)

«آنچه در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه اتفاق افتاده، حوادث بسیار مهم و تاریخ‌ساز است. آنچه در مصر اتفاق افتاد، آنچه در تونس اتفاق افتاد، این بیداری عظیمی که در کشورهای اسلامی اتفاق افتاد، از آن حوادثی است که گاهی دو قرن، سه قرن می‌گذرد تا یک چنین حادثه‌ای به وجود آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۲). شاید پرکاربردترین واژه‌هایی که در چند سال گذشته دائم از سوی رسانه‌های گوناگون، شبکه‌های خبری، جراید، روزنامه‌ها، مجلات سیاسی و... به کار رفته، «انقلاب‌های عربی» یا «بیداری اسلامی» باشد. (امیدی و رشیدی علویچه، ۱۳۹۱: ۴۶)

جنبش بیداری اسلامی، که جنبشی کاملاً مردمی و ضد حکومت‌های دیکتاتوری در منطقه بود، پایه‌های حکومت دیکتاتورهای وابسته مانند زین‌العابدین بن علی، حسنی مبارک، معمر قذافی و علی عبدالله صالح را به مانند مهره‌های دومینو یکی پس از دیگری به لرزه درآورد و آنان را ساقط کرد (دانشور، ۱۳۹۱: ۵۰). شواهد نشان می‌دهد که جنبش‌های اسلامی در جهان عرب دارای رویکرد و جهت‌گیری اسلامی‌اند و در تمامی کشورهای تونس، مصر، مراکش، لیبی، عربستان، بحرین و یمن، گروه‌های اسلامی مردمی‌اند و نه وابسته به غرب و در مقابل غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند. نکته قابل تأمل این است که حرکت و خیزش‌های اسلامی برگرفته از آموزه‌های انقلاب اسلامی است؛ آموزه‌هایی که توسط حضرت امام (ره) به یک عمل سیاسی تبدیل شد. (روشندل، ۱۳۹۱: ۳۰)

با بررسی انقلاب‌های منطقه می‌توان برخی از خصوصیات جنبش بیداری اسلامی را شناسایی کرد؛ مانند رجوع به قرآن کریم و سنت پیامبران (ع) و بزرگان اسلام به عنوان منابع اولیه تنظیم و تفسیر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، احساس کوتاهی و تقصیر نسبت به از دست رفتن حاکمیت اسلام در جامعه و تلاش در جهت جبران مافات،

ایفای نقش جدی و اساسی توسط علما و دانشمندان اسلامی در فراهم کردن زمینه‌های بیداری، تأثیر موج بیداری بر توده‌های عظیم مردم و نیز بر قشر روشنفکر، گستردگی موج بیداری در تمامی نقاط جغرافیایی، حضور مسلمانان اعم از کشورهای اسلامی و سایر کشورهایی که دارای اقلیت اسلامی‌اند، احساس تقابل و تعارض با نظام‌های موجود اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محلی که متأثر از غرب و شرق است، احساس مظلومیت ناشی از تسلط استعمارگرانه کشورهای بزرگ غربی بر مقدرات خود و در نهایت، آخرین ویژگی مشترک بیداری اسلامی در کشورهای مختلف منطقه را می‌توان تمایل ملت‌های منطقه به ایفای نقش واقعی‌تر در معادلات جهانی و تلاش برای یافتن جایگاه خود در عرصه بین‌المللی ذکر کرد.

## و) دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران در بیداری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از حرکت‌های اصیل مردمی و جریان بیداری اسلامی و نیز بی‌اثر کردن تلاش‌های ضد ایرانی رسانه‌های غربی/عربی، تاکنون کوشیده است که علاوه بر کانال دیپلماسی رسمی، از کانال دیپلماسی غیر رسمی در قالب «دیپلماسی رسانه‌ای» بهره ببرد.

لذا صدا و سیما ج.ا.ایران از همان ابتدای شکل‌گیری اعتراضات در کشور تونس، با تهیه گزارش‌ها و تحلیل‌های متنوع خبری سعی کرد تا حد امکان با تحولات منطقه همراهی کند. شبکه‌های بین‌المللی خبری ایرانی همزمان با شروع تحولات و شعله‌ور شدن اعتراضات مردمی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه به پوشش خبری این تحولات پرداختند. در این میان، شبکه‌های خبری «العالم»، «پرس تی.وی»، «سحر» و «الکوثر» به عنوان شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی ج.ا.ایران در منطقه، نقش مهمی در بیداری اسلامی داشته‌اند.

### ۱. شبکه خبری العالم

شبکه العالم از طریق دیپلماسی رسانه‌ای کوشش کرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب‌های منطقه در قالب مفهوم بیداری اسلامی را منعکس کند. در این باره سایت خبری «egypty» در مقاله‌ای نوشت: «شبکه خبری ایرانی العالم همزمان با سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام به مقایسه انقلاب ملت



سال نهم - شماره ۸۳  
بهار ۱۳۹۴

۷۸

آزاده مصر با انقلاب اسلامی در ایران کرد و انقلاب اسلامی ایران را الگوی تمام ملت‌ها برای هرگونه اقدام ضد رژیم‌های خودکامه و دست‌نشانده دانست. شبکه خبری العالم که به زبان عربی پخش می‌شود در یکی از برنامه‌های خود اقدام به مقایسه اظهارات محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران در زمان انقلاب اسلامی به سال ۱۳۵۷ با اظهارات مبارک در آغاز تظاهرات در مصر کرد. آن گاه به مقایسه دو ملت ایران و مصر در تظاهرات خیابانی پرداخت. (جهت‌گیری جریان‌های رسانه‌ای، ۱۳۹۲)

این شبکه ایرانی، از تحولات مصر به شدت استقبال کرد و سقوط نظام در مصر را یکی از دستاوردهای انقلاب ایران برشمرد و آن را زمینه‌ساز شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی دانست. در حالی که رسانه‌های بین‌المللی و همچنین رسانه‌های منطقه در راستای سیاست‌های یک بام و دو هوای خود و بر خلاف اصول اطلاع‌رسانی بین‌المللی از پوشش اخبار بحرین و اعتراضات مردمی در این کشور چشم‌پوشی کردند، تنها شبکه العالم بود که بار این اطلاع‌رسانی را بر دوش کشید و باعث شد برخی رسانه‌های عربی از اقدام العالم برآشفته شوند. از این رو، پس از تلاش شبکه العالم برای ایفای رسالت اطلاع‌رسانی خود در انعکاس خیزش‌های مردمی، رسانه‌های عربی به ایجاد جنگ رسانه‌ای علیه این شبکه مبادرت کردند. به عنوان مثال حذف ناعادلانه العالم از روی ماهواره «نیل‌ست»<sup>۱</sup> و «عرب‌ست»<sup>۲</sup> (روزنامه کیهان، ۱۳۹۲: ۳) را می‌توان نمونه‌ای از اوج خشم مقام‌های مصری و سعودی دانست؛ زیرا کاملاً مشهود بود که پوشش گسترده تحولات بیداری اسلامی در کشورهای عربی، مهم‌ترین دستور کار العالم بود. با آغاز تحولات جریان‌ساز در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، شبکه العالم به سرعت وارد کارزار اطلاع‌رسانی از این رویدادهای سیل‌آسا شد و در کشورهای مختلف به پوشش خبری پرداخت. شبکه العالم با شعله‌ور شدن جرقه اعتراضات مردمی در تونس تا فرار دیکتاتور این کشور، گزارش لحظه به لحظه از رویدادهای آن را آغاز کرد. این پوشش خبری در حالی انجام می‌گرفت که اجازه فعالیت به تیم‌های خبری این شبکه داده نمی‌شد. (نورالهی، ۱۳۹۲: ۹۵)

این شبکه همزمان با وقوع انقلاب مردمی تونس و مصر، برنامه‌های عادی خود را قطع کرد و به پخش لحظه به لحظه و کامل تحولات این دو کشور پرداخت. العالم که نخست از

1. Nilesat.  
2. Arabsat.



طریق دفتر خود در قاهره، تنها با دو خبرنگار تحولات این کشور را پوشش می‌داد، در پی آغاز انقلاب مردم، در شهرهای اسکندریه، سویس، البحیره، الاسماعیلیه، دمياط، الشریقه، الفيوم و المیناء، خبرنگاران جدیدی را به کار گرفت. این شبکه با به کارگیری تعداد قابل توجهی خبرنگار در آن کشور و به ویژه ۱۲ خبرنگار در شهرهای مختلف مصر، گستره پوشش خود را تا سطح ۱۰ استان در این کشور توسعه داد. پوشش گسترده شبکه العالم در حالی صورت می‌گرفت که شبکه‌های دولتی مصر هشدار می‌دادند با عوامل آشوب‌های مصر؛ یعنی رسانه‌های خارجی مبارزه می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۹۲)

در نتیجه، هواداران مبارک هر جا خبرنگاری خارجی می‌دیدند، به آنها حمله و وسایل گزارشگری آنها را منهدم می‌کردند. به این ترتیب طرفداران رژیم مبارک، با حمله به خبرنگاران شبکه العالم آنها را در چند مرحله مورد تعرض قرار دادند. شکستن دوربین‌های خبرنگاران اعزامی این شبکه و یورش به استودیو در حال پخش زنده و مضروب ساختن کارشناس برنامه، از جمله این موارد بود. در جریان پوشش خیزش انقلابی مردم بحرین نیز شبکه العالم به طور فعال ظاهر شد؛ تا جایی که هرکجا به پایگاه اینترنتی این شبکه حمله کردند و سپس پخش این شبکه بر روی ماهواره با تهاجم گسترده امواج پرازیت مواجه شد. (همان)

دولت مبارک نیز به مقابله با خبررسانی رسانه‌ها از اعتراضات مردمی پرداخت و خبرنگاران و تیم‌های خبررسانی، جزء اهداف حمله نیروهای امنیتی و نیروهای وابسته به حکومت مصر قرار گرفتند. رسانه‌های غربی و برخی شبکه‌های عربی که با محافظه‌کاری بیشتری اخبار مصر را پوشش می‌دادند، با آزادی بیشتری به فعالیت خبری مشغول بودند، اما فشار و اعمال خشونت علیه خبرنگاران و تیم‌های خبری شبکه العالم به مراتب شدیدتر بود.

در پی حمله نیروهای امنیتی مصر، احمد سیوفی، مدیر دفتر شبکه العالم در قاهره و تصویربردار این شبکه، مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. همچنین دفتر العالم در قاهره، تهدید به آتش‌سوزی شد. البته در این باره باید گفت، پیش از این تهدید، افرادی وابسته به حکومت مبارک به تیم خبری العالم در میدان التحریر قاهره یورش بردند و شریف منصور، خبرنگار العالم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

گروهی دیگر از نیروهای رژیم حسنی مبارک به تیم شبکه خبری العالم در شهر



اسکندریه مصر حمله‌ور شده، اعضای خبری و تصویری آن را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این نیروها همچنین دوربین‌های تیم خبری العالم را شکسته و برخی تجهیزات آن را ضبط کرده و با خود بردند. این در حالی بود که تیم خبری العالم می‌خواست است گزارش تجمع بزرگ مردمی در میدان التحریر مصر را بازتاب دهد. (اسلامی، ۱۳۹۲)

شبکه العالم از آغاز خیزش مردمی در بحرین در سکوت سایر رسانه‌های خبری بین‌المللی و منطقه‌ای، در هنگام سرکوب شدید اعتراضات مردمی به اطلاع‌رسانی شفاف، دقیق و بررسی کارشناسی در برنامه‌های مختلف خود در بخش‌های خبری و تحلیلی به صورت ویژه به این موضوع پرداخته است. این شبکه در بحرین در حالی به فرستادن تصویر و خبر مشغول است که مجوزی برای فعالیت خبری این شبکه به صورت رسمی صادر نشده است و خبرنگاران العالم بدون نشان دان چهره خود خبررسانی می‌کنند. ناگفته نماند که حضور العالم با وجود این محدودیت‌ها در بحرین بسیار مطلوب است؛ به گونه‌ای که انقلابیون بحرینی، چندین بار از پوشش این شبکه در بحرین تشکر کردند. این راستا، «گروه جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین» در پیامی از پوشش رسانه‌ای بسیار عالی العالم از مظلومیت مردم شیعه و سنی بحرینی - که مورد بی‌مهری رسانه‌های جهان عرب و غرب قرار گرفته‌اند - تشکر کرد که در بخشی از آن اشاره شده است: امروز همه ملت‌ها از اینکه شبکه العالم اطلاع‌رسانی دقیقی از رخداد‌های جاری می‌کند، سربلند و خرسندند و ما در میدان اللؤلؤ منامه از طرف همه جوانان بحرینی بر شما درود و تحیت می‌فرستیم». این تشکر همچنین با فرستادن متن تقدیری برای شبکه العالم، ضمن تشکر از همراهی رسانه‌های شبکه العالم در پوشش خبری حرکت مردمی شیعه و سنی در بحرین علیه ظلم و استبداد، این موضوع را از آن جهت دارای اهمیت بسیار برشمرد که شبکه‌های ماهواره‌ای عربی نیز با پیروی از حکام بحرینی، این رویدادها را در بایکوت خبری قرار دادند و انقلاب مردمی این کشور را که با تجمع اعتراضی ۶۰۰ هزار نفری انجام می‌گرفت، نادیده انگاشتند. (نگاهی به ۱۰ سال فعالیت شبکه العالم، ۱۳۹۲)

عملکرد العالم در بحرین، همچنین موجب شد شبکه رقیبی همچون بی.بی.سی، در وبسایت عربی خود، بر تلاش العالم در تأثیرگذاری در تحولات منطقه صحه بگذارد. در این باره باید گفت، در کنار چادرهای برافراشته شده توسط معترضان بحرینی، خیمه‌های جدیدی نیز توسط شبکه‌های ماهواره‌ای افکنده شده بود. شبکه‌های العالم و المنار، دو



شبکه‌ای‌اند که در بازتاب تحولات و ناآرامی‌های بحرین در میدان اللولو نقش بسزایی ایفا کرده‌اند و همچنین نقش مؤثری در جلب توجه مخاطبان دارند. (محبوبی و گوهری، ۱۳۹۲: ۷۰) در لیبی نیز شبکه‌ی العالم تحت فشار سنگین به خبررسانی از رویدادهای خونین این کشور می‌پرداخت. افزون بر خطراتی که در اثر نبردهای مسلحانه در لیبی علیه گروه‌های خبری وجود داشت، فشارهای نیروهای امنیتی معمر قذافی نیز موانع بسیاری برای فعالیت خبری العالم ایجاد کرده بودند. دوربین خبرنگار العالم، عدنان بورینی، در هنگام اعزام به شهر بن‌غازی که در کنترل انقلابیون لیبی قرار داشت، به دست نیروهای امنیتی ضبط شد؛ ولی با این وجود، العالم برای پوشش کامل‌تر رخدادهای لیبی، لطفی قراص خبرنگار خود در تونس را به طرابلس فرستاد. (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

در همین راستا، یکی از رهبران اخوان المسلمین لیبی با تقدیر از شبکه‌ی العالم، بر اهمیت نقش این شبکه در افشای حقایق این کشور درباره‌ی کشتار شهروندان لیبیایی به دست مزدوران بیگانه تأکید کرد. سلیمان عبدالقادر اظهار داشت: برخی از کشورها به دنبال آن هستند تا حقایق را پنهان کنند، ولی این محاصره باید شکسته شود. العالم در یمن نیز با وجود جلوگیری حکومت عبدالله صالح، نقش ویژه‌ای در اطلاع‌رسانی جنبش اعتراضی این کشور بر عهده داشت. این شبکه با وجود فشار شدید حکومت این کشور برای جلوگیری از فعالیت خبری این شبکه، دو خبرنگار به جنوب (شهر عدن) و شمال (منطقه حوثی‌ها) فرستاده بود. العالم پوشش جنبش اعتراضی عربستان سعودی را نیز با وجود اجازه نداشتن فعالیت خبری این شبکه، از راه منابع بومی و به صورت ویژه‌ای پیگیری می‌کرده است. (شبکه‌ی العالم و دیپلماسی رسانه‌ای ایران در بیداری اسلامی، ۱۳۹۲)

## ۲. شبکه‌ی خبری پرس تی.وی

پرس تی.وی شبکه‌ی تلویزیونی وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و اولین شبکه‌ی خبری تلویزیونی انگلیسی‌زبان ایرانی است که در ۱۷ تیر ۱۳۸۶ افتتاح شد. پایگاه اصلی این شبکه در تهران است. این شبکه، خبرنگاران مقیم بسیاری در نقاط راهبردی و مهم جهان مستقر کرده است. شعار این شبکه، «خبر از نگاه جدید» برای شکستن سلطه‌ی رسانه‌های گروهی غربی است (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). سایر اهداف پرس تی.وی عبارتند از:

- شکستن انحصار قوی رسانه‌های غربی؛

- به وجود آوردن پلی میان فرهنگ‌های مختلف؛

- تأکید بر نمایش تفاوت‌ها و مشترکات سیاسی و فرهنگی با توجه به شرایط انسانی. همچنین پرس تی.وی اعلام کرده که این شبکه، تحلیل دقیقی از رویدادها را ارائه خواهد کرد؛ با این هدف که سوی دیگر داستان را به نمایش بگذارد. (شبکه تلویزیونی پرس تی.وی دوشنبه افتتاح می‌شود، ۱۳۸۶)

شبکه پرس تی.وی و دیگر رسانه‌های برون‌مرزی ایران، پوشش بسیار خوبی درباره بیداری اسلامی انجام دادند. شبکه پرس تی.وی گروه‌های خبری خود را در قاهره، تونس و مناطق شرق لیبی تقویت کرد. پوشش گسترده تحولات بیداری اسلامی در کشورهای عربی، مهم‌ترین دستور کار پرس تی.وی بوده است. تصاویر اختصاصی این شبکه، گاه به عنوان منبع اصلی مورد استناد سایر شبکه‌های تصویری دنیا قرار می‌گرفت (پوشش خبری تلویزیونی بیداری اسلامی از نظر تا عمل، ۱۳۹۰). پرس تی.وی رویدادهای منطقه، را بیداری اسلامی و نشئت گرفته از انقلاب اسلامی ایران دانسته است. لذا تأثیر مثبت شبکه پرس تی.وی در حوزه تحت پوشش این شبکه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. عملکرد صحیح این شبکه در جنبش بیداری اسلامی کشورهای منطقه و همچنین مسائل سوریه، در حوزه اروپا و آمریکا، این شبکه را به منبع مورد وثوقی برای مخاطبان خود تبدیل کرده است. همین امر موجب شده تا این شبکه از سوی دشمنان قسم‌خورده انقلاب و سرویس‌های صهیونیستی با تحریم روبه‌رو و از روی اغلب فرستنده‌های ماهواره‌ای حذف شوند؛ که این خود یعنی به تعارض رسانیدن شعار و عمل مدعیان «آزادی بیان» (دوستی، ۱۳۹۲)

### ۳. شبکه سحر

شبکه جهانی سحر، اولین شبکه تلویزیونی برون‌مرزی سیمای جمهوری اسلامی ایران است که در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. این شبکه دو کاناله متشکل از شش مینی شبکه یا در اصطلاح؛ سیما (تلویزیون) به شش زبان مختلف است که عبارتند از: سیمای آذربایجانی، سیمای انگلیسی، سیمای فرانسه، سیمای کردی، سیمای بوسنیایی و سیمای اردو. هر یک از این شش سیمای برنامه‌هایی ویژه مخاطبان خود تولید و پخش می‌کنند و شش زبانه بودن شبکه سحر به معنای پخش برنامه‌های واحد به شش زبان نیست.

شبکه سحر تلویزیون ایرانی، برای مخاطبان غیر ایرانی و با ساختار یک شبکه



عمومی است که نه تنها به پخش اخبار و برنامه‌های سیاسی، تحلیلی و گفتگو محور می‌پردازد؛ که تولید و پخش قالب‌های مختلف برنامه‌سازی تلویزیونی، از مستند، ترکیبی، نمایشی و... را در موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معارف دینی و... را نیز در ترکیب‌بندی ساختار و محتوای برنامه‌های خود رعایت می‌کند.

این موضوع حتی در اقصای مختلف بینندگان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و سحر برنامه‌های ویژه کودکان، نوجوانان، جوانان، خانواده‌ها و زنان و... را نیز تدارک و به پخش می‌رساند. محور اصلی در ساختار و محتواسازی برای شبکه سحر را توجه به مأموریت‌های این شبکه در قالب و بسته‌بندی‌های رسانه‌ای مناسب مخاطبان هر سیما تشکیل می‌دهد. برنامه‌های شبکه سحر تا پیش از اواخر سال ۱۳۸۴ شمسی روی دو کانال سحر یک و دو و از طریق هات‌برد قابل دریافت بود. در پی تعطیلی پخش برنامه‌های سحر یک به دلیل پخش سریال ضد صهیونیستی «چشمان آبی زهرا»، شبکه سحر برای مدتی از یک کانال ماهواره‌ای پخش شد و با افتتاح مجدد کانال دوم شبکه در یازدهم دی ۱۳۸۸، هم اکنون کانال یک شبکه سحر، ۲۰ ساعته و کانال دو آن، ۲۴ ساعته به تولید و پخش برنامه می‌پردازند. (نورالهی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

سیمای کردی، ۹ ساعت زمان پخش روزانه دارد و در کنار آن، سیمای آذربایجانی با هشت و نیم ساعت، سیمای انگلیسی با هفت ساعت، سیمای فرانسوی با شش و نیم ساعت، سیمای بوسنیایی با پنج ساعت و سیمای اردو با هشت ساعت پخش در شبانه‌روز، اوقات بینندگان ویژه خود در گستره‌های جغرافیایی متفاوت را پر می‌کنند. سه سیمای آذربایجانی، فرانسوی و بوسنیایی از کانال یک سحر و سه سیمای انگلیسی، کردی و اردو نیز از کانال دو این شبکه پخش می‌شوند. کارکنان شبکه سحر متشکل از ملیت‌های ایرانی و غیر ایرانی بوده و معرفی سیمای واقعی و دور از جنجال‌ها و سیاه‌نمایی‌های غرب، در خصوص اسلام و جمهوری اسلامی ایران را هدف غایی خود می‌دانند.

شبکه تلویزیونی سحر، بازتاب و تحلیل رویدادها و واقعیت‌های جهان را با نگاهی دیگراندیش و متفاوت با مشی و نقطه‌نظرات قدرت‌های بزرگ و بیرون از چنبره رسانه‌های سلطه‌جوی غرب دنبال می‌کند و به همین دلیل، در میان بینندگان حقیقت‌جوی خود در سراسر جهان محبوبیت دارد.

با شروع وقایع و تحولات موسوم به بیداری اسلامی شبکه سحر تلاش کرد در



قالب برنامه‌های مختلف به انعکاس این رویداد بپردازد. به عنوان نمونه برنامه «بیداری اسلامی»، به تهیه‌کنندگی مهدی هماتاش برای پخش از کانال یک شبکه سحر در ۵۲ قسمت تولید و پخش شد که با توجه به اهمیت موضوع انقلاب‌های منطقه که ریشه در انقلاب شکوهمند اسلامی دارد، این برنامه به موضوع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه به خصوص کشورهای درگیر در این جریان می‌پردازد. این برنامه از دو بخش خبر و تفسیر اتفاق‌ها تشکیل شده که دارای سه بخش خبری و چهار قسمت تفسیری است. (شبکه سحر به بیداری اسلامی می‌پردازد، ۱۳۹۲)

همچنین «کانون توجه»<sup>۱</sup> عنوان برنامه هفتگی سیمای انگلیسی شبکه سحر است که به بررسی مسائل، رخدادها و تحولات سیاسی کشورهای منطقه می‌پردازد. محورهایی همچون: «بررسی تحولات دو ساله اخیر در منطقه»، «ثمرات دموکراسی در این کشورها»، «انتظارات انقلابیون»، «نقش رهبری و اسلام در این انقلاب‌ها»، «امنیت و آرامش در منطقه»، «وحدت گروه‌های مختلف» و «کارشکنی دشمنان» در این برنامه بحث و بررسی می‌شود. محورهای مرتبط با موضوع هر برنامه در گفتگوی مجری با کارشناس مسائل سیاسی در استودیو مطرح شده و مورد تبادل نظر قرار می‌گیرد. (کالبدشکافی انقلاب‌های شمال آفریقا از لیبی تا نیل در شبکه سحر، ۱۳۹۲)

#### ۴. شبکه الکوثر

پیشینه شبکه جهانی الکوثر به پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. ج.ا.ایران با هدف حضور در عرصه‌های بین‌المللی و تحت پوشش قرار دادن جهان عرب، ضرورت تأسیس یک شبکه عربی‌زبان را احساس کرد. در آغاز، الکوثر با نام سیمای عربی، یک ساعت و نیم پخش داشت. در سال ۱۳۸۴ الکوثر به عنوان یک شبکه ماهواره‌ای مستقل و با ۱۴ ساعت پخش، کار خود را ادامه داد و در سال ۱۳۸۹ و با آغاز ماه مبارک رمضان، ۲۴ ساعته شد. ظهور تدریجی نزدیک به ۸۰۰ شبکه عربی و از طرفی حجم گسترده مخاطبان شیعی و افزایش انتظارات آنان که تنها به ایران اسلامی چشم دوخته‌اند، الکوثر را بر آن داشت که روز به روز به محتوای برنامه‌ها و نیز ساعات پخش خود بیفزاید. شبکه الکوثر در حال حاضر به عنوان شبکه معارف اهل بیت (ع) با ۲۴ ساعت پخش برنامه در شبانه‌روز فعالیت می‌کند. (پیشینه شبکه جهانی الکوثر، ۱۳۹۲)



شبکه‌ی الکوثر در بررسی انقلاب‌های عربی و موج بیداری اسلامی، برنامه‌ای با عنوان «عصر الثورات» را تدارک دید. این برنامه در ۲۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای در استودیوی بیروت شبکه‌ی الکوثر تهیه شد و سعی شد تا تمام جوانب بیداری اسلامی و انقلاب‌های عربی و عوامل مؤثر در ایجاد آن را در کشورهای منطقه بررسی و تحلیل کند. مواردی همچون: نقش علمای دین، نقش جوانان، نقش زنان، نقش رسانه‌ها و اینترنت، نقش مساجد و ... در شکل‌گیری انقلاب‌های اخیر، از جمله مواردی است که در برنامه‌ی عصر الثورات بررسی شدند. علاوه بر آن، مرور و نقد اشکالاتی مانند فتاوی‌ی افراطی، فتنه‌انگیزی مذهبی و... نیز در دستور کار برنامه قرار داشت که در آن با استفاده از نظرات بیش از ۸۰ شخصیت فرهنگی و سیاسی جهان عرب، مفاهیمی چون: حکومت اسلامی، اسلام اصیل محمدی(ص)، تعامل دین و سیاست و اصل وحدت اسلامی به بینندگان ارائه می‌شود. شبکه‌ی جهانی الکوثر از ابتدای شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی با این انقلاب‌ها همراه بوده و برنامه‌های مختلفی را در این خصوص و در قالب‌های مستند، میزگرد، کلیپ و... تهیه و پخش کرده است. (شبکه‌ی الکوثر انقلاب‌های عربی را بررسی می‌کند، ۱۳۹۲)

به گفته علی خندق‌آبادی، مدیر شبکه‌ی الکوثر، این شبکه جنبه‌های نظری انقلاب‌ها و بیداری‌های اسلامی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بنا به گفته وی، اگر بنا به تحلیل تحلیل‌گران، بیداری اسلامی ملهم از انقلاب اسلامی ایران بوده است، پس شبکه‌ی الکوثر می‌تواند نظریات حکومتی ایران را در این انقلاب‌های بسط دهد؛ چرا که در حوزه‌ی دین و اندیشه و نظر سؤالات زیادی در کشورهای میزبان بیداری اسلامی وجود دارد که شبکه‌ی جهانی الکوثر موظف به پاسخ دادن به آنهاست که شبکه‌ی الکوثر جنبه‌های نظری انقلاب‌ها و بیداری‌های اسلامی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. (جنبه‌های نظری بیداری اسلامی را تحلیل می‌کنیم، ۱۳۹۲)

### ز) تأثیرات دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران بر بیداری اسلامی

رسانه‌ی ملی از همان ابتدای بروز اعتراضات با تهیه گزارش‌ها و تحلیل‌های متنوع خبری سعی کرد تا حد امکان با تحولات منطقه همراه شود. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به خاطر تعلق خاطری که به اسلام و مسلمان‌ها دارد، می‌تواند با فعالیت و پویایی بیشتر، نبرد دیپلماسی رسانه‌ای را از غربی‌ها برپاید؛ چنان که در عرصه‌ی برون‌مرزی، شبکه‌های برون‌مرزی رسانه‌ی ملی تا حدودی در این عرصه موفق بوده‌اند.



## ۱. حمایت از انقلاب

عملکرد مثبت رسانه ملی در پرتو فعالیت‌های شبکه‌های برون‌مرزی در تجمع فوریه ۲۰۱۱ که به وسیله جوانان مصری در میدان التحرير قاهره برگزار شد، باعث شد شمار بسیاری از جوانان مصری از عملکرد شبکه‌های برون‌مرزی ایران از جمله شبکه العالم در اطلاع‌رسانی از انقلاب تاریخی ملتشان قدردانی کنند. آنچه باعث موفقیت رسانه ملی در این عرصه شد، نوع پوشش‌دهی اخبار، گزارش خبرنگاران آن و مصاحبه‌های این شبکه با گروه‌های گوناگون مردمی و مسئولان گروه‌ها و احزاب بود؛ چنان که محمد السید دبیر کل کمیساریای روابط عربی-اروپایی از پشتیبانی و همبستگی جمهوری اسلامی و شبکه العالم از انقلاب مصر تقدیر کرد و گفت: «می‌خواهم از رهبری ایران در همبستگی با مردم مصر تشکر و از نقش شبکه العالم در حمایت از انقلاب مردمی مصر قدردانی کنم» (ریاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

## ۲. انعکاس صدای ملت

سیاست رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر پایه حمایت از حرکت‌های مردمی بنا شده است. در تبیین پیشبرد این راهبرد، ابوطالب البوحیه، نویسنده مطرح جهان عرب ابراز کرده است: «با وجود اینکه العالم یک شبکه ایرانی و غیر عرب است، در مقایسه با شبکه‌ها و رسانه‌های عربی در بسیاری از اوقات منعکس‌کننده آرای مردم عرب است». چنانچه گروه جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین در پیامی از پوشش رسانه‌های بسیار عالی شبکه العالم از مظلومیت مردم شیعه و سنی بحرینی که مورد بی‌مهری رسانه‌های جهان عرب و غرب قرار گرفته‌اند، تشکر کردند که در بخشی از آن اشاره شده است: «امروز همه ملت‌ها از اینکه شبکه العالم اطلاع‌رسانی دقیقی از رخدادهای جاری می‌کند، سربلند و خرسندند. ما در میدان اللؤلؤ منامه از طرف همه جوانان بحرینی بر شما دورد و تحیت می‌فرستیم».

موضع شبکه‌های برون‌مرزی ج.ا.ایران در دوره پس از انقلاب‌های مردمی و حرکت‌های بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان خاورمیانه، پشتیبانی محکم و قاطع از این حرکت‌ها بود. حمایت از منافع مردم و انتقاد از حکومت‌های دیکتاتوری یکی از مزیت‌های مهم رسانه‌های برون‌مرزی کشورمان از جمله العالم، پرس تی‌وی، سحر، الکوثر، در صدر تحولات جهان عرب است. این عامل موجب افزایش جذب مخاطبان



این شبکه‌ها شد. بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی، این حرکت را شورش و حرکت‌های مقطعی اعتراض‌آمیز خواندن، اما رسانه ملی در حوزه برون‌مرزی از آن به عنوان انقلاب یاد کرد. این مزیت نسبی برای رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی در پوشش و انعکاس تحولات منطقه بود. (ریاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

### ۳. رعایت اخلاق حرفه‌ای

غسان جواد، نویسنده عرب، در مقاله‌ای که در روزنامه‌الواء منتشر شده است، در این باره می‌نویسد: «از اخلاق حرفه‌ای در بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای خبری نیست و هر کدام شبیه ابزار اطلاع‌رسانی احزاب شده‌اند و به دلیل ارتباطاتی که حاکم بر آنهاست، از پوشش کامل و دقیق همه تحولات منطقه عربی خودداری می‌کنند» (نویسنده عرب: پوشش متعادل شبکه‌العالم از تحولات منطقه، ۱۳۹۰). شبکه خبری عرب‌زبان العالم و دیگر شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی به اخلاق حرفه‌ای متعهدند و درصدد منحرف کردن افکار عمومی نیستند و اینکه شبکه‌های برون‌مرزی ایران توانسته‌اند با ایجاد پشتوانه اخلاقی و حرفه‌ای با انقلاب‌ها و انتفاضه‌ها در کشورهای عربی همگام شوند.

رویکرد اخلاق‌محور رسانه ملی به بیداری اسلامی این بود که هرگز موجب بروز اختلاف میان قومیتی بین اعراب و ایرانیان نشود. تحلیل جریان خبری شبکه‌های برون‌مرزی ج.ا.ایران بر این پایه استوار است که اشتراکات دینی، جغرافیایی، تاریخی و سرنوشت مشترک آنها بیش از اختلافاتشان است. شبکه‌های برون‌مرزی توانستند سیاست رسانه‌ای فعالی در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از خود بروز دهند. (دیپلماتی رسانه‌ای العالم در تحولات خاورمیانه، ۱۳۹۰)

### ۴. انعکاس در شرایط دشوار

با آغاز تحولات جریان‌ساز در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما به سرعت وارد کارزار اطلاع‌رسانی از این رویداد سیل‌آسا شدند. بنابر این، بدیهی بود که کار در چنین فضایی واکنش شدید قدرت‌های حاکمه را در پی داشته باشد. شبکه‌های برون‌مرزی ایران با وقوع انقلاب‌های مردمی منطقه، برنامه‌های عادی خود را قطع کردند و به پخش لحظه به لحظه و کامل تحولات این انقلاب‌ها پرداختند. سیاست رسانه‌ای ایران در ورای مرزهای خود، در شرایطی شکل می‌گرفت که با موج گسترده‌ای از حملات فیزیکی مجازی مواجه شد. (ریاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۷)



## ۵. رساندن پیام انقلاب اسلامی به انقلاب‌های منطقه

رسانه‌ها همواره نقشی مهم در پیشبرد سیاست خارجی کشورها دارند. مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها در فرایند سیاسی ایفا می‌کنند، پل ارتباطی برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی سیاستگذاران و جامعه نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر و اتفاقات و رویدادهای سیاسی است. تجربه نشان داده است که رسانه‌ها بیش از وظیفه واسطه‌گری ارتباط، نقش‌ها و کارکردهای وسیع‌تری را در ارتباطات سیاسی به اجرا درمی‌آورند که از آن جمله، تأثیر بر افکار عمومی و سپس تأثیر بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی است. بنابر این، رسانه‌ها در تمام مراحل فرایند شکل‌گیری سیاست خارجی نقش دارند و رهبران سیاسی آنها را از ابعاد ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهند. (نیک‌ملکی، ۱۳۹۱: ۴۳۹)

بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی و تبیین شفاف و صریح و منطقی مواضع جمهوری اسلامی، که یکی از وظایف رسانه‌های جمعی و به ویژه صدا و سیماست، اگر به مسلمانان جهان و جریان‌های اسلامی و مردم آزاده جهان عرضه شود، ما در آینده شاهد شکوفایی هر چه بیشتر گفتمان اسلام ناب و بیداری مسلمانان و ملت‌های آزاده و محدود شدن گفتمان‌های اسلام آمریکایی و اسلام سازشکار خواهیم بود.

در حال حاضر، رویه دشمنان اسلام به ویژه صهیونیسم بین‌الملل است که قبل از انجام هر تهاجم نظامی و سرکوبی جریان‌های اسلامی، ابتدا آنها را با عناوینی همچون تروریست، بنیادگرا، متعصب، خشونت‌طلب و ... ترور رسانه‌ای کنند و ترسی از انقلاب اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرای حقیقی در دل مردم جهان بیندازند و آن‌گاه به برنامه‌های تجاوزطلبانه و قهرآمیز خود روی آورند تا جلوی گسترش و رشد نهضت‌های اسلامی - از آسیای میانه گرفته تا خاورمیانه و آفریقا - را بگیرند.

لذا یکی از وظایف رسانه‌های ما به عنوان مبلغ اسلام اصیل و انقلاب اسلامی پویا در جهان اسلام و الگوی عملی و عینی حکومت اسلامی، معرفی دقیق شخصیت حضرت امام (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی جهان اسلام و الگوی رهبران اسلام‌گرا و انقلابی کشورهای جهان است.

وظیفه رسانه ملی و دیگر رسانه‌ها و خبرگزاری‌های ایرانی و اسلامی است که به انعکاس اخبار دقیق و صحیح جریان‌های اسلامی و جوامع و گروه‌های اسلامی کشورهای جهان بپردازند و مظلومیت‌ها و فعالیت‌های آنان را بیان کنند و ماهیت گروه‌های سازشکار



مدعی اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایان قلابی و انقلابی‌نمایان وابسته و مرتجعی چون سران تشکیلات خودگردان، القاعده، طالبان و... را افشا کنند. (نورالهی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

## ۶. جایگزینی بیداری اسلامی به جای بهار عربی

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی‌رقیب بودن، مهم‌ترین رسانه دیداری و شنیداری نظام جمهوری اسلامی ایران است و از همین جهت، مهم‌ترین وظیفه را نیز در عرصه بیداری اسلامی بر عهده داشته و دارد که نخستین وظیفه آن، آگاهی‌بخشی به مخاطبان است. شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما در عرصه بیداری اسلامی خوب عمل کرده‌اند؛ اگر چه برخی انتقادها به عملکرد دیپلماتی رسانه‌ای در موضوع بیداری اسلامی وارد می‌شود، ولی باید همه محدودیت‌ها را در نظر داشت. کشور انقلابی و اسلامی ایران بدون شک با محدودیت‌های بسیاری مواجه است. با همه محدودیت‌ها، آن زمانی که دنیا تلاش می‌کرد تعبیر بهار عربی را جا بیندازد تا مانع از طرح مطالبات اسلامی در کشورهای به‌پاخاسته شود، رسانه ملی همه تلاش خود را به کار برد تا این تعبیر را شکسته و اصطلاح بیداری اسلامی را جا بیندازد.

امروز خوشبختانه بیداری اسلامی، تعبیر و اصطلاحی جا افتاده است و هر کجا که نگاه می‌کنید شعارهای اسلامی مطرح و بر سر زبان‌هاست. بخش عمده‌ای از این اتفاق مبارک، به عملکرد تبلیغاتی و رسانه‌ای به‌جا و خوب نظام جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد. آنچه امروز ملت‌ها در عرصه بیداری اسلامی مشاهده می‌کنند، در واقع تحقق شعارهای انقلاب و امام زاحل(ره) است. (نوباوه، ۱۳۹۲)

## ح) نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی و تحولات ناشی از آن بازتاب گسترده‌ای در سطح رسانه‌های مختلف جهانی به ویژه شبکه‌های تلویزیونی داشته است؛ به گونه‌ای که هر یک از این شبکه‌ها با در نظر گرفتن اولویت‌ها و مصالح نظام حاکم، در دیپلماتی رسانه‌ای خود به نوعی به بازنمایی این رویداد پرداخته‌اند (بشیر، چابکی و مهربانی‌فر، ۱۳۹۱: ۹۱). لذا همزمان با شروع تحولات در شمال آفریقا و خاورمیانه و اعتراضات مردمی، شبکه‌های خبری بین‌المللی ایرانی نیز به پوشش گسترده تحولات پرداختند. رسانه ملی با بهره‌گیری از شبکه‌های برون‌مرزی خود توانست پوشش خبری و تحلیلی قابل قبولی را از وقایع به عمل آورد

حضور در صحنه از همان ابتدای حادثه و ادامه گزارش‌ها تا حصول نتایج در کشورهای مختلف، از نکات قوت امر بود. اقدامات آگاهی‌بخش و اطلاع‌رسانی مفیدی که شبکه‌های برون‌مرزی در مسیر انتقال آموزه‌های انقلاب اسلامی انجام دادند، نقش اثرگذاری در امور زیربنایی و محتوایی جهان اسلام داشته است.

سیاست‌های رسانه‌ای ایران در حوزه فراسرزمینی توانست با وجود قدرت سیاسی بالای شبکه‌های رقیب، با پخش برنامه‌های تحلیلی و پوشش اخبار با سرعت و دقت مناسب از ابتدای رویداد تا دستیابی به نتیجه، در کشورهای دستخوش اعتراض‌های مردمی، کارنامه‌ای در خور قبول از عملکرد حرفه‌ای خود بر جای گذارد. بر خلاف شبکه‌های غربی که برای اهداف پلید خود از شگردهای متعدد رسانه‌ای استفاده می‌کنند، شبکه‌های ج.ا.ایران خیلی ساده و حرفه‌ای به این اتفاقات می‌پردازند؛ هر روز خبرهایی را درباره حضور مردم در خیابان‌ها یا پیشروی انقلابیون و جنایات حکومت‌های آنها در خبرها می‌شنویم. تحلیل‌هایی هم که در میانه خبرها می‌آید، بر غنای مطالب و گزارش‌ها می‌افزاید.

البته مسئولان ارشد برون‌مرزی صدا و سیما، شورای امنیت ملی و دستگاه دیپلماسی، برای جلب مخاطبان بیشتر و تعامل سازنده و غیر مخرب با رهبران جنبش‌های اسلامی، نیازمند سیاستگذاری‌های کلان هستند تا رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران را به یک رسانه بی‌نظیر و پر طرفدار در جهان اسلام و رقیب جدی رسانه‌های مشهور بین‌المللی درآورند. با این حال می‌توان گفت انتشار اخبار و گزارش‌های دقیق، واقعی و منصفانه از جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی، ارائه گزارش‌های مستند و ارائه و ترجمه تولیدات و محصولات آنها، پرهیز از مسائل اختلاف برانگیز و برنامه‌های تبعیض‌آمیز، عدم دخالت در امور داخلی آنها و ارائه نکردن الگوهای کاذب، عدم تبلیغ فعالیت‌های سطحی‌نگرانه برخی گروه‌ها، عدالت رسانه‌ای و ضریب متناسب با فعالیت‌های گروه‌های اسلامی و ... مهم‌ترین رویکردها و سیاست‌هایی‌اند که به نظر می‌رسد صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها و سازمان‌های ما باید آنها را لحاظ کنند.

## منابع

- اسلامی، حامد (۱۳۹۲). «بیداری اسلامی در جهان با ندای انقلاب اسلامی». قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920902001355>



- اسماعیلی، محمد (۱۳۸۹). دیپلماسی رسانه‌ای. تهران: جام جم.
- امید، علی و مهرداد رشیدی علویچه (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های جهان عرب (۲۰۱۲-۲۰۱۱)». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال سیزدهم، ش ۱۷.
- بزرگمهری، مجید و فاطمه نعمتی (۱۳۹۰). «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی: تبیین راهکارها». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۷.
- بشیر، حسن (۱۳۸۷). «مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای». تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- بشیر، حسن؛ رامین چابکی و حسین مهربانی‌فر (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی مصر و گفتمان رسانه‌ای جهان: تحلیل گفتمان نشریات کشورهای خارجی (۶ بهمن تا ۱۶ اردیبهشت)». فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، ش ۱.
- بشیر، حسن و کاظم مودن (۱۳۹۲). «دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا در قبال بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱: تحلیل محتوای کیفی سایت فارسی صدای آمریکا (از ۱ ژانویه ۲۰۱۱ تا ۱ ژوئیه ۲۰۱۱)». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۳.
- «پوشش خبری تلویزیونی بیداری اسلامی از نظر تا عمل» (۱۳۹۰). قابل دسترسی در: <http://www.avapress.com/vdcfmx0d.w6dejagiiw.txt>
- «پیشینه شبکه جهانی الکوثر» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در: <http://farsi.alkawthartv.ir>
- جعفری، کریم (۱۳۹۰). «بررسی رویکرد شبکه العالم به تحولات بیداری اسلامی». فصلنامه رسانه، ش ۸۵.
- «جنبه‌های نظری بیداری اسلامی را تحلیل می‌کنیم» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/TextVersionDetail/1650517>
- جهت‌گیری جریان‌های رسانه‌ای (۱۳۹۲). قابل دسترسی در: <http://www1.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100808768587>
- حاذق نیکرو، حمید (۱۳۹۱). «قدرت نرم انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی در جهان». فصلنامه پانزده خرداد، ش ۳۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). «بعاد مکتب امام و بیداری اسلامی، گزیده بیانات ولی امر مسلمین در بیست و دومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)». نشریه آفاق مهر، دو ماهنامه فرهنگی اجتماعی، سال نهم، ش ۴۵.
- دانشور، اسماعیل (۱۳۹۱). «تأثیر انقلاب اسلامی بر موج بیداری اسلامی». ماهنامه پیام انقلاب، ش ۵۸.
- دوستی، محسن (۱۳۹۲). «مروری بر پرونده فعالیت شبکه‌های برون مرزی». قابل دسترسی در: <http://sutitr.ir/n/19>
- «دیپلماسی رسانه‌ای العالم در تحولات خاورمیانه» (۱۳۹۰). قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/>
- روزنامه کیهان (۱۳۹۲). «پخش برنامه شبکه‌های ایرانی از ماهواره‌های غربی قطع شد». کیهان، ش ۲۰۵۳۱.
- روشندل، جلال (۱۳۹۱). «امام (ره) و بیداری اسلامی». ماهنامه پیام انقلاب، ش ۵۹.

- ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و نقش رسانه ملی. تهران: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- ساداتی، سید نصراله (۱۳۹۳). «نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس تی‌وی». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش ۳ (پیاپی ۷۹).
- سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۹). «عملیات روانی و دیپلماسی رسانه‌ای». ماهنامه علمی تخصصی رادیو، ش ۵۰.
- «شبکه العالم و دیپلماسی رسانه‌ای ایران در بیداری اسلامی» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در:  
<http://defapress.ir/Fa/News/5811>
- «شبکه الکوثر انقلاب‌های عربی را بررسی می‌کند» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در:  
<http://www.yjc.ir/fa/news>
- «شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی دوشنبه افتتاح می‌شود» (۱۳۸۶). قابل دسترسی در:  
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8604060470>
- «شبکه سحر به بیداری اسلامی می‌پردازد» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در:  
<http://www.momtaznews.com>
- طباحی مقانی، جواد (۱۳۹۰). «دیپلماسی رسانه‌ای و استلزامات آن». فصلنامه عملیات روانی، ش ۳۱.
- عزیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۰). بیداری اسلامی. تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۰). «واکاوی خیزش‌های مردمی - اسلامی خاورمیانه». فصلنامه مطالعات سیاسی، سال یازدهم، ش ۴۲-۴۱.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و جواد کارآزما (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران: فرصت‌ها و تهدیدها». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۸.
- «کالبدشکافی انقلاب‌های شمال آفریقا از لیبی تا نایل در شبکه سحر» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در:  
<http://www.cinemakhabar.ir/NewsDetails.aspx?ID=48235>
- محبوبی، قربانعلی و محمدعلی گوهری (۱۳۹۲). «شبکه خبری العالم و نقش آن در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه عملیات روانی، ش ۳۵.
- «نگاهی به ۱۰ سال فعالیت شبکه العالم» (۱۳۹۲). قابل دسترسی در:  
<http://www.cinemakhabar.ir/NewsDetails.aspx?ID=27963>
- نورالهی، سعید (۱۳۹۲). نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.
- نوباوه، بیژن (۱۳۹۲). «عملکرد رسانه‌های نظام در جایگزینی تعبیر بیداری اسلامی به جای بهار عربی قابل تقدیر است». قابل دسترسی در:  
<http://www.taghribnews.com/vdcf0mdv.w6dceagiiw.html>
- «نویسنده عرب: پوشش متعادل شبکه العالم از تحولات منطقه» (۱۳۹۰). قابل دسترسی در:  
<http://fa.alalam.ir/news/42365>
- نیک‌ملکی، محمد (۱۳۹۱). «شبکه‌های خبری و بیداری اسلامی». بیداری اسلامی و تحولات منطقه. تهران: مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور.

- Ammon, R. (2001). Global Television and the Shaping of World Politics: CNN, Tele diplomacy, and Foreign Policy. Jefferson, NC, McFarland.
- Cohen, Y. (1986). Media Diplomacy. London: Cass.
- Karl, P. (1982). Media Diplomacy in G Benjamin, the Communications Revolution in Politics. New York: Academy of Political Science.
- Ramaprasad, J. (1983). "Media Diplomacy". In Search of a Definition, Gazette, Vol. 31.
- Van Dinh, T. (1987). Communication and Diplomacy in a Changing World. Norwood, NJ, Ablex.



سال نهم - شماره ۸۳  
بهار ۱۳۹۴

۹۴